

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شمسی صلواتی
۰۸ نومبر ۲۰۱۳

ما انسانیم و وجدان بیداری داریم!

عمری را سپری کردیم با فریادهای رسا، طی سالیانی دراز گفتیم و نوشتیم که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست. اما در تقابل با ما ناکسان زورشان بیشتر بود ریاکار و معامله گر بودند در فریب و ریاکاری، قدرتی مافوق داشتند، رسانه هائی چون بی.بی.سی. و صدها روزنامه و امکانات دیگر در اختیار داشتند و خاتمی را به عنوان نو عروس اصلاحات به مردم ما فروختند. "خاتمی را گوربچف موافق خوانند" در همان حال ما شاهد قتلهای زنجیره ای بودیم. ما شاهد اعدامها در ملاء عام بودیم. ما شاهد زردی و چپاول سران حکومت بودیم.

کلاه سر مان رفت و آنها توانستند گنجشک را به نرخ قناری به مردم ما بفرشند چون صدای ما رسا نبود در حقیقت امکانات کافی برای رسا کردن صدای خود نداشتیم. قلممان ضعیف بود. صفمان پراکنده بود. اختلاف را بر اتحاد ترجیح دادیم. در حقیقت نقطه ضعیف ما نقطه قوت آنان بود.

آنان وقتی دستشان رو شد ورق دیگری را رو کردند این بار خر را به نرخ اسب به مردم ما فروختند و احمد نژاد را که فاشیستی عریان بود و افکار ارتجاعی اش را بدون شرم بیان می کرد، به مردم تنگدست گفتند این از خودتان است، خاکی است، ماهی یک بار حمام نمی کند، لباسهایش بوی گند می دهد، همه اینها درست بود، احمد نژاد افکارش هم بوی گند می داد حقیقتاً گرگی بود که با زبان روباه هم آشنائی داشت. جنایتکار بود با افتخار ضدیت با یهود، با سکولار، ضدیت با هر گونه حرکت آزادیخواهانه نشان می داد. در گفتار هوچیگر و سفسطه باز بود، دروغ گفتن عادتش بود، حقارت تمام وجودش را گرفته بود گاهی دستمال بسیجی را گردن مجسمه پوسیده کوروش می انداخت و گاه فردوسی را پیامبر ایرانی معرفی می کرد، یک تیر چنان نشان داشت از یک طرف ناسیونالیست ایرانی را شاد می کرد و از طرف دیگر فرهنگ لمپنیزم را در جامعه باز تولید می کرد موجودی عجب و افکاری ضد انسانی داشت.

دوباره وقتی دستشان رو شده این بار نخست وزیر خمینی را آوردند و از آن بت ساختند، گفتند نقاش است، گفتند صمیمانه دست همسرش را می گیرد، گفتند ملی است اما میرحسین رنگ سبز را که نماد پیامبر اسلام بود بر گزید تا نشان دهد میرحسین همان میرحسین دوران خمینی است که در دوران نخست وزیری اش کشتن هزارها کودک در جنگ و کشتار زندانیان دهه ۶۰، در کارنامه داشت ولی به ما می گفتند که "خون این عزیزان را فراموش کنید!"

اما با تمام این، وجود صف ما کمونیستها پراکنده بود آنقدر پراکنده که نتوانستیم صدایمان را رسا کنیم، نتوانستیم دروغهای مهندسین افکار سرمایه داری را افشاء کنیم در حالی که تاریخ ایران در طول صدسال گذشته آغشته به

خون کمونیستها است که پیشروهای آن سرزمین بودند؛ اگر جمهوری اسلامی در اسلامیزه کردن آن سرزمین ناکام مانده مدیون ما کمونیستهاست و به جز ما کسی اسلام سیاسی را به نقد نکشیده، به جز ما کسی قوانین اعدام را که نوعی از انتقامجویی است به نقد نکشید و خیلی چیزهای دیگر که من قصد طولانی کردن این بحث را ندارم فقط باید بگویم منظور من از کمونیستها تنها حزب به خصوصی نیست بلکه تمامی کسانی است که وجدان بیداری دارند و برای یک انقلاب انسانی و رسیدن به جمهوری سوسیالیستی تلاش می کنند.

روحانی را آوردند: کیهان؟ بی. بی. سی. به کمک جیره خوران جمهوری اسلامی همچون فرخ نگهدار و مهندسین افکار چون خلجی و خیلی دیگر از طیف اصلاح طلب که مردم را تشویق به رأی و به پای انتخاباب بردند البته نباید فراموش کرد کسانی که مردم را تشویق و به پای صندوقهای رأی بردند، شریک جنایات جمهوری اسلامی هستند تأکید می کنم که اینها شریک جرم جمهوری اسلامی هستند و در مورد این اعدامها باید احساس شرم کنند اگر معنا شرم را بفهمند چون اینها در همان لجنزاری تغذیه می کنند که جمهوری اسلامی نشسته...

تمام سخن من و یا نتیجه این بحث را خلاصه کنم تنها راه نجات ما در گرو یک انقلاب انسانی است یک انقلاب انسانی به معنای مارکیستی اش. بدون یک انقلاب فراگیر، سرنگونی جمهوری اسلامی؛ با وجود آدم فروشان کاسبکار و رسانه های نان به نرخ روز خور با جیبی پر از دالر، راهی دیگر نداریم ۳۵ سال برای تجربه های شکست خورد کافیت .

هر کمونیستی در مقام یک رهبر باید وارد عمل شود در هر جای این کره خاکی باید برای یک انقلاب فراگیر و انسانی تلاش کند با امکاناتی که هر چقدر ناچیز باشد با ابتکار باید عمل کند، ما باید ارزش انسانی را به اعتبار مارکس بودنمان، به اعتبار انسان بودنمان احیاء کنیم. ما انسانیم و به همین اعتبار می توانیم جامعه انسانی را احیاء کنیم سرنگون باد جمهوری اسلامی.